

چکیده

بررسی آمار واردات سلاح و هزینه‌های نظامی در خاورمیانه نشان می‌دهد که روند روبه رشد این هزینه‌ها در سال ۲۰۰۳ ادامه داشته است. مهم اینجاست که واکنش کشورهای منطقه به جنگ در عراق متفاوت، و براساس برداشت هر یک از تهدیدهای ناشی از جنگ بود. از این‌رو، عوامل مؤثر دیگری غیر از وضعیت عراق برای افزایش هزینه‌ها وجود داشته است. بر این اساس، جنگ در عراق موجب افزایش هزینه‌های نظامی کشورهای شده است که دارای مرز مشترک با عراق هستند یا در جنگ شرکت کرده‌اند، اما در کشورهایی چون عربستان سعودی و اسرائیل. مشکلات داخلی اثر به مراتب مهم‌تری بر روند هزینه‌ها داشته است.



کلید واژه‌ها: هزینه‌های نظامی، مسابقه تسلیحاتی، جنگ عراق، منطقه خاورمیانه، صادرات اسلحه

\* دانشیار علوم سیاسی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
\*\* این مقاله بر مبنای آمارها و بخشهایی از آخرین سالنامه موسسه مطالعات بین‌المللی صلح استکهلم به‌ویژه فصول زیر تهیه شده است:

Wui Omitoogun, "Military Expenditure in the Middle East after the Iraq War," Bjorn Hagelin, Mark Bromely and Siemn T. Wezeman, "International Arms Transfers," and Elizabeth Skons, Catalina Perdomo, Sam Perlo-Freeman and Peter Stalenheim, "Military Expenditures," SIPRI Yearbook 2004: Armaments, Disarmament and International Security, Oxford: Oxford University Press, 2004.

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۲۰-۱

## مقدمه

هزینه‌های نظامی در خاورمیانه در سال ۲۰۰۳ حدود ۱۰ درصد به ارزش واقعی افزایش یافت.<sup>۱</sup> این نرخ رشد بیش از دو برابر میانگین نرخ سالانه ۹ سال از دوره ۱۰ ساله ۲۰۰۳-۱۹۹۴ بود.<sup>۲</sup> این امر می‌تواند به این شبیه دامن بزند که جنگ عراق تأثیر قابل توجهی بر هزینه‌های نظامی کل خاورمیانه در سال ۲۰۰۳ داشته است. البته، به سه دلیل احتمال دارد که الزاماً چنین نباشد: نخست، هزینه نظامی منطقه‌ای در خاورمیانه در طول مدت ۱۰ ساله ۲۰۰۳-۱۹۹۴ به‌طور قابل ملاحظه‌ای بدون هیچ ارتباط آشکاری با نیازهای امنیتی کوتاه‌مدت منطقه در حال نوسان بوده است. برای منطقه‌ای با بالاترین سطح تحمیل نظامی در جهان، افزایش ۱۰ درصدی هزینه‌های نظامی در خاورمیانه غیرعادی نیست.<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۷ نیز نرخ رشد مشابهی دیده می‌شد، و در سال ۲۰۰۰ هزینه نظامی منطقه‌ای ۱۵ درصد به ارزش واقعی بالا رفت که این افزایش به‌طور عمده بر اثر افزایش درآمدهای نفتی بود.

دوم، افزایش مشاهده شده در سال ۲۰۰۳ در منطقه خاورمیانه، به هیچ‌وجه همه کشورها را دربرنمی‌گیرد، بلکه در عوض به‌دلیل روند جدید در دو کشور ایران و کویت که هر دو دارای مرزهای مشترک با عراق هستند، بود. هزینه‌های نظامی این دو به ترتیب ۲۵ و ۳۶ درصد به ارزش واقعی در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت. بحرین نیز در این سال هزینه‌های نظامی خود را به‌طور چشمگیری بالا برد، اما این امر تأثیر چندانی بر هزینه نظامی کل منطقه نداشت؛ زیرا از لحاظ منطقه‌ای بودجه دفاعی بحرین رقم کمی است. عربستان سعودی، بزرگ‌ترین هزینه‌کننده منطقه، تنها با درصد پایینی بر هزینه نظامی خود افزود. اسرائیل، یکی از قدرتهای نظامی بزرگ منطقه، با ملاحظه اوضاع عراق تصمیم مهمی برای کاهش سطح هزینه نظامی خود گرفت. بنابراین، واکنشها به جنگ در عراق متفاوت بود و بیشتر بستگی داشت به پندارهای هر کشور از تهدیدهایی که جنگ برای بقایش به‌وجود آورد. با این حال، باید توجه شود که عوامل مؤثر دیگری غیر از جنگ عراق

برای تعیین روندهای هزینه نظامی وجود داشت.

سوم، مقایسه وضعیت سال ۲۰۰۳ با جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ تا حدی عوامل تغییردهنده روند [هزینه نظامی] در ۲۰۰۳ و چند سال آتی را مشخص می‌کند. افزایش ۱۰ درصدی در سال ۲۰۰۳ بسیار کمتر از افزایش ناگهانی هزینه‌های نظامی منطقه در اوایل دهه ۹۰ به دلیل بروز جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ است. در سال ۱۹۹۱ هزینه‌های نظامی کشورهای خاورمیانه ۳۴ درصد رشد کرد. در مقایسه، جنگ علیه عراق به رهبری ایالات متحده آمریکا تأثیر محدود کلی بر هزینه‌های نظامی در منطقه داشته است. یک توجیه مهم برای این مسئله بی‌تفاوتی عمومی بیشتر رهبران عرب نسبت به این جنگ در عراق است: از یک سو، آنان آرزو می‌کنند که ایالات متحده به دلیل آغاز یک‌جانبه جنگ با شکست مواجه شود، و از سوی دیگر، از پیامدهای مأموریت شکست خورده آمریکا در عراق، به‌ویژه در صورتی که گروه‌های اسلام‌گرا در آن کشور برتری جویند، هراس دارند.<sup>۴</sup> دو توضیح دیگر برای افزایش محدود در هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه‌ای به‌رغم شروع و تداوم جنگی گسترده در همسایگی آنها می‌تواند مطرح شود: ۱. بیشتر کشورهای عرب در این جنگ شرکت نکردند، بنابراین نیازی نبود که هزینه مشارکت در جنگ را بپردازند؛ و ۲. بیشتر کشورها در منطقه در پی جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس برای دستیابی سخت‌افزارهای نظامی بسیار سرمایه‌گذاری کردند، و برخی از آنها دچار مشکلاتی در جذب سازوکارهای نظامی بیشتر شده‌اند.

### عراق و همسایگانش

ماهیت جنگجویانه رهبران بعثی عراق زیر نفوذ صدام حسین از سال ۱۹۷۹ باعث شده بود که این کشور منشاء همیشگی ناآرامیها در منطقه باشد. صدام حسین دارای جاه‌طلبیهای سلطه‌طلبانه بود و آمادگی داشت که برای رسیدن به اهدافش، با بهره‌گیری از منابع ملی در اختیارش که شامل زرادخانه‌های سیستمهای تسلیحاتی پیشرفته

جدول ۱- هزینه‌های نظامی در خاورمیانه (۱۹۸۹، ۱۹۹۰-۱۹۹۱، ۲۰۰۱-۲۰۰۲، ۲۰۰۳-۲۰۰۴)

کشور	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	درصد تغییر ۱۹۹۰-۹۱	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	درصد تغییر ۲۰۰۱-۰۳
بحرین	۲۱۱	۲۲۰	۲۵۰	+۹	۲۳۴	۳۲۰	۲۵۶	+۳۷
مصر	۲۸۰۴	۲۷۶۱	۲۷۸۵	+۱	۲۶۴۲	۲۷۶۶	-	-
ایران	۴۲۶۲	۴۹۲۲	۵۱۴۷	+۴	(۱۶۶۰۹)	(۱۵۳۶۹)	(۱۹۱۸۹)	(+۳۱)
عراق	-	-	-	-	-	-	-	-
اسرائیل	۷۵۴۸	۷۸۸۹	۷۵۷۰	-۴	۹۰۴۴	۱۰۵۱۸	۹۹۸۱	+۱۰
اردن	۶۰۲	۵۲۴	۵۱۲	-۲	۷۴۴	۷۵۰	(۷۹۸)	(+۷)
کویت	۲۷۴۰	۱۰۵۷۳	۱۳۷۸۰	+۳۰	۳۰۲۰	۳۵۴۷	۴۸۴۴	+۶۰
لبنان	-	۱۰۱۷	۵۱۵	-۴۹	۹۲۱	۸۰۰	۷۹۸	-۱۲
عمان	۱۷۷۸	۱۹۹۷	۱۶۵۴	-۱۷	۲۴۵۲	(۲۵۳۶)	۲۷۲۳	+۱۱
قطر	-	-	-	-	-	-	-	-
عربستان سعودی	۱۴۶۷۹	۱۴۶۹۰	۲۸۰۱۸	+۹۱	۲۱۱۸۸	۱۸۷۰۴	۱۹۱۰۲	-۱۰
سوریه	۳۰۶۴	۲۸۴۰	۴۵۹۲	+۶۲	(۵۳۱۵)	(۵۲۶۶)	(۵۹۳۰)	(+۱۲)
امارات متحده عربی	۳۰۴۵	۲۹۹۲	۲۸۶۱	-۴	۲۳۴۹	۲۴۶۶	۲۵۴۹	+۹
یمن	-	۶۱۲	۵۷۲	-۶	(۴۷۷)	۶۰۰	-	-
کل خاورمیانه	-	۵۱۰۵۷	۶۸۲۵۸	+۲۴	۶۲۰۹۷	۶۳۷۵۲	(۷۰۰۵۹)	(+۱۱)

یادداشتها: داده‌های مربوط به هزینه‌های نظامی در بیشتر کشورهای خاورمیانه به دلیل اسرار دولتی و نبود شفافیت با مشکل همیشگی نبود اعتبار مواجه است. آمار موجود داده‌های رسمی بوده و ممکن است که کل هزینه‌های مصارف نظامی را منعکس نکند. ارقام جدول به میلیون دلار آمریکا به قیمت‌های ثابت و نرخهای مبادلات ارزی سال ۲۰۰۰ است. به دلیل ساده کردن محاسبات، حاصل جمع ارقام برخی از ستونهای جدول احتمال دارد که با رقم موجود در ردیف کل آن اختلاف جزئی داشته باشد.

منبع: بانک اطلاعاتی سیبری.

خریداری شده از اتحاد جماهیر شوروی و نیز کشورهای تولیدکننده اسلحه در غرب بود، به هر ابزاری متوسل شود.<sup>۵</sup> در دوران زمامداری صدام حسین، عراق جنگی خانمان سوز را با ایران در سالهای ۸۸-۱۹۸۰ آغاز کرد، و با کشورهای عضو اتحاد موقتی تحت رهبری آمریکا پس از تجاوز اوت ۱۹۹۰ به کویت در سال ۱۹۹۱ به جنگ رفت. پیش از این، صدام ادعای مالکیت بر قلمرو عربستان را نیز مطرح کرده بود. ایالات متحده وجود سلاحهای کشتار جمعی احتمالی در زرادخانه صدام را به عنوان دلیل موجهی برای سایر کشورهای خلیج (فارس) که ممکن بود در جستجوی کسب تواناییهای مشابه برآیند، معرفی کرد.

استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه شهروندان عراقی و بر ضد ایران در جنگ هشت ساله ایران - عراق، و نیز پرتاب موشکهایی به قلمرو عربستان سعودی و اسرائیل در هنگام جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، نشان می دهد که صدام حسین آماده بود که از تمام تسلیحاتی که در اختیار داشت در جنگ استفاده کند. جنگهایی که عراق با ایران و با نیروهای متحده رهبری شده توسط آمریکا برای آزادسازی کویت کرد، همراه با تنفر طبیعی و ناسازگاری عمومی همه ممالک عربی نسبت به اسرائیل، به عنوان عوامل اصلی شناسایی شده اند که منجر به سرمایه گذاری کلان کشورهای خلیج فارس در خرید تسلیحات از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد گردیدند.<sup>۶</sup> از این زمان به بعد، بیشتر کشورها درصدد برآمدند که با خریدهای تسلیحاتی و تشکیل اتحادهای نظامی با قدرتهای بزرگ توانایی نظامی خود را بهبود بخشند. ایالات متحده آمریکا که متحد اصلی بیشتر کشورهای منطقه خاورمیانه است، با هدف ممانعت از تسلط عراق یا ایران بر منطقه، رهنامه (دکترین) مهیار دوگانه خود را در دهه ۱۹۹۰ به اجرا درآورد.<sup>۷</sup> در نتیجه، آمریکا حجم زیادی تسلیحات به کشورهای خلیج فارس به ویژه بحرین، کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی صادر کرد.<sup>۸</sup>

با وجود این، از سال ۱۹۹۸ در حالی که بیشتر رژیمها در منطقه هنوز عراق زیر نفوذ صدام حسین را به عنوان تهدیدی تلقی می کردند، یک دیدگاه جدید و دلسوزانه تر نسبت به عراق در بین کشورهای عربی شروع به رشد کرد. دلیل عمده این مسئله، این باور در

بین برخی از دولتها و مردم آنها بود که حملات هوایی دایمی علیه عراق توسط نیروهای انگلیسی و آمریکایی، در تلاش برای اجرای سیاست «منطقه پرواز ممنوع» تحمیل شده بر رژیم عراق به عنوان بخشی از سیاست کلی مهار، با توجه به قدرت نظامی تضعیف شده عراق، دیگر توجیه‌شدنی نبود. در همان زمان، تحریمهای اقتصادی بین‌المللی مداوم علیه عراق بی‌اثر و لازم به بازنگری تصور می‌شد؛ زیرا این تحریمها بیش از رژیم مورد هدف قرار گرفته شده عراق به مردم این کشور آسیب وارد آوردند. افکار عمومی غم‌خوارانه مردم عرب، و تا حدی موضع رسمی عرب‌ها در حمایت از بازنگری تحریمهای اقتصادی بین‌المللی علیه عراق پس از تحولات ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه آمریکا که در آنها بیشتر شهروندان عرب شرکت داشتند، مسئله بحث برانگیز دیگری به وجود آورد. پندار غالب در جهان عرب این بود که آنها به عنوان سپر بلا توسط آمریکا و هم‌پیمانانش در اتحاد برای جنگ، به‌ویژه انگلستان و تا حد کمتری ایتالیا و اسپانیا، مشخص شده‌اند. روابط تنش‌زا بین آمریکا و یکی از بزرگ‌ترین متحدانش در جهان عرب (عربستان سعودی) بر سر این حملات به افزایش احساسات ضد آمریکایی و انتقاد از دولتهای مختلف منطقه‌ای به دلیل به هدر دادن منابع ملی برای خرید تسلیحات آمریکایی دامن زد.

در زمان حمله آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳، افکار عمومی در بیشتر کشورهای عرب به قدر کفایت علیه این جنگ قوی بود که مانع از پشتیبانی علنی این کشورها از این سیاست تغییر رژیم با زور شد؛ اگرچه آشکار بود که بیشتر آنان خواهان سرنگونی صدام حسین بودند و مخالفتی با جنگ نداشتند. آنچه که باعث نگرانی دولتها شده بود، ماهیت عراق پس از صدام و پیامدهایش برای امنیت ملی کشورهایشان بود. بیشتر کشورهای هم‌مرز عراق، به‌ویژه ایران، اردن و عربستان سعودی، ناگزیر بودند که به رفع مشکلات امنیتی، سیاسی و اجتماعی داخلی خود اکتفا کنند، و ناگزیر بودند که تحولات درون عراق را از کنار صحنه نبرد تماشا کنند. این سیاست با انتظارات مردم آنها سازگار بود. روندهای هزینه نظامی برخی از این کشورها در سال ۲۰۰۳ این موضع محتاطانه «نظاره‌گرباش و

منتظر بمان» را منعکس می‌کند.

## عراق و هزینه نظامی در خاورمیانه

با وجود روابط دشواری که بیشتر کشورها با عراق در گذشته داشتند، و ماهیت پیش‌بینی‌ناشدنی واکنش‌های عراق در صورت وقوع جنگ، هزینه‌های نظامی در بیشتر کشورها بیش از افزایش‌های سالانه عادی که مشخص‌کننده ویژگی‌های هزینه‌های نظامی منطقه خاورمیانه می‌باشند، تغییر چشمگیری نداشتند. با این حال، چند کشور از همسایگان عراق (کویت، ایران و اردن)، و آن کشورهایی که به‌ویژه در جنگ مشارکت داشتند (بحرین و قطر)، در سال ۲۰۰۳ به‌طور آشکاری هزینه‌های نظامی خود را افزایش دادند. جالب است که بیشتر این کشورها هزینه نظامی خود را در سال ۲۰۰۲ کمی بالا برده و یا به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده بودند. بنابراین، این روندها نشان می‌دهد که تغییر در بودجه نظامی آنها در واقع واکنشی به تحولات عراق بوده است. با توجه به مخالفت گسترده مردم نسبت به افزایش هزینه نظامی در بیشتر کشورهای عرب پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه آمریکا،<sup>۱۱</sup> که دولتهای منطقه را مجبور کرد با جدیت تلاش کنند تا هزینه‌های اجتماعی را به ضرر هزینه‌های نظامی افزایش دهند،<sup>۱۲</sup> افزایش‌های جدید تنها می‌توانست بر مینای جنگی در یک کشور همسایه توجیه شود. سایر کشورهای بدون مرز مشترک با عراق نیز به تحولات در این کشور واکنش نشان دادند و بسته به ماهیت روابطشان با عراق پیش از جنگ و سطح حمایتشان از حمله هدایت‌شده آمریکا، هزینه‌های نظامی کاهش یا افزایش پیدا کرد. به هر حال، سطح هزینه‌ها به‌طور کلی در منطقه بیش از آن حدی که ممکن است «عادی» تعریف شود، با توجه به روند کلی هزینه‌های نظامی منطقه در یک دهه گذشته، افزایش نیافت.

آشکارترین افزایش‌ها در هزینه‌های نظامی در سال ۲۰۰۳ در خاورمیانه، برای دو کشور همسایه عراق؛ یعنی ایران و کویت، دو کشوری که در گذشته با عراق درگیر

بوده‌اند، ثبت شده است. اگرچه دشوار است که تمام این افزایشها را به تأثیر جنگ عراق به دلیل وجود عوامل مؤثر دیگر نسبت بدهیم، اما بخشی از این افزایشها به خاطر جنگ در عراق بود. کویت دارای بیشترین درصد افزایش در سال ۲۰۰۳ بود، همچنین مشتاق‌ترین همسایه عراق برای در اختیار قراردادن قلمروش به‌عنوان پایگاهی برای حملات آمریکا علیه عراق بود. کویت هزینه نظامی سالانه خود را ۳۶ درصد به ارزش واقعی نسبت به سال ۲۰۰۲ افزایش داد. زمانی که این رقم با ارقام سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ که به ترتیب افزایش ۶ درصدی و ۱۸ درصدی را نشان می‌دهند مقایسه می‌کنیم، تغییر چشمگیری در سال ۲۰۰۳ مشاهده می‌شود. این افزایش در سال ۲۰۰۳ با سطح افزایش سال ۱۹۹۱، بعد از تجاوز عراق به کویت و به‌دنبال آن جنگ خلیج فارس، مقایسه شدنی است. مجلس به‌طور معمول «فعال» کویت در حالی که مخالف افزایش هزینه‌های نظامی، به‌ویژه پس از خریداری سازوبرگهای گران‌قیمت و اغلب کم‌استفاده بود، درست پیش از شروع جنگ رهبری شده آمریکا علیه عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ یک لایحه تخصیص اضافی بودجه دفاعی را به تصویب رساند.<sup>۱۲</sup>

در ایران، هزینه‌های نظامی سال ۲۰۰۳ به ارزش واقعی ۲۵ درصد بالا رفت. افزایش این هزینه‌ها در سال ۲۰۰۲ تنها ۵ درصد بود. سه دلیل عمده برای این افزایش می‌تواند مطرح شود که دو دلیل آن به‌طور مستقیم مربوط به تحولات در عراق می‌شود. نخستین دلیل آشکار، بروز جنگ در یک کشور همسایه، و نیاز به آمادگی برای اوج‌گیری احتمالی به درون قلمرو ایران، شامل روان شدن سیل پناهندگان از عراق به ایران، می‌باشد.<sup>۱۳</sup> دومین دلیل، گنجاندن ایران در «محور شرارت» توسط آمریکا در سال ۲۰۰۲، و این باور در ایران بود که نیاز برای آمادگی مقابله با یک حمله احتمالی آمریکا پس از جنگ عراق وجود دارد.<sup>۱۴</sup> این امر با پندار از حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی ایران تقویت می‌شد.<sup>۱۵</sup> از این گذشته، با تغییر محیط سیاسی در منطقه، ایران اکنون تقریباً به‌طور کامل در محاصره دولتهای موافق آمریکا که میزبان پایگاههای نظامی



آمریکایی هستند، قرار دارد. سومین دلیل، مکمل نکته پیشین، ادامه تقویت بنیه نظامی ایران از راه واردات اسلحه و تلاشهای داخلی، به‌ویژه طرح تولید موشک بالستیک شهاب، به‌منظور ایجاد یک قدرت «بازدارنده» کافی و معتبر برای حفظ امنیت کشور به‌عنوان بخشی از «دیپلماسی دفاعی» کلی ایران است.<sup>۱۴</sup> این سه عامل به هزینه‌های نظامی افزوده شده ایران منجر شد.

اردن نیز مرز مشترکی با عراق دارد، اما تنها ۶ درصد به ارزش واقعی هزینه نظامی خود افزود. در حالی که این میزان کمتر از درصدهای افزایش در کویت و ایران است، در مقایسه با کمتر از ۱ درصد افزایش در سال ۲۰۰۲ و اندکی کاهش در سال ۲۰۰۱ قابل توجه می‌باشد (جدول ۱). اردن رابطه‌ای عالی با صدام حسین برقرار کرده بود، و در واقع از تحریمهای بین‌المللی علیه عراق سود می‌برد.<sup>۱۷</sup> اول آنکه اردن به‌عنوان گذرگاهی بود که به‌وسیله آن عراق به فعالیتهای خنثی‌سازی تحریمها، به‌ویژه در رابطه با صادرات نفت، عمل می‌کرد.<sup>۱۸</sup> دوم آنکه، اردن در قبال دریافت یک میلیارد دلار کمک، قلمرو خود را به‌عنوان پایگاهی برای نیروهای آمریکایی عرضه کرده بود.<sup>۱۹</sup> افزایش در هزینه نظامی اردن هم به دلایل داخلی و هم به‌دلیل نگرانی از تحولات عراق بود. افزایشی در سطح خشونت داخلی در اردن هم‌زمان با مخالفت داخلی با جنگ احتمالی در عراق مشاهده شد، که منجر به تشدید اقدامات امنیتی و برقراری حکومت نظامی در شهر معان<sup>(۱)</sup> (مرکز مخالفتها) در جنوب امان شد.<sup>۲۰</sup> با وجود تنشهای منطقه‌ای و بین‌المللی، عربستان سعودی (بزرگ‌ترین هزینه‌کننده در منطقه)، در سال ۲۰۰۳ تنها ۲ درصد ارزش واقعی هزینه‌های نظامی خود را افزایش داد، در حالی که در شرایط مشابه در گذشته مانند جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، هزینه‌های نظامی عربستان سعودی تا بیش از ۹۰ درصد افزایش یافته بود. حتی در سال ۱۹۹۷، زمانی که هیچ تهدید نظامی آشکاری علیه عربستان سعودی وجود نداشت، هزینه‌های نظامی بیش از ۳۰ درصد بالا رفته بود. در چنین شرایطی، افزایش

۲ درصدی در سال ۲۰۰۳ می‌تواند به‌عنوان ادامه یک روند جدید تغییر در اولویتهای کشور به‌دلیل مخالفت مردم با افزایش مداوم هزینه‌های نظامی بدون توجه به کم شدن موقعیتهای شغلی و تحصیلی برای مردم در عربستان سعودی دیده شود.<sup>۲۱</sup> در ضمن، این امر می‌تواند تغییر الگوی هزینه‌ای را با یک کاهش غیرعادی ۱۲ درصدی در هزینه‌های نظامی عربستان در سال ۲۰۰۲ منعکس کند. اگرچه گزارشهایی از تخصیصهای اضافی برای دفاع و امنیت داخلی به‌دنبال حملات تروریستی در ماه مه و نیز در نوامبر ۲۰۰۳ وجود داشت، اما اینها بیشتر مربوط به تهدیدهای داخلی امنیت به‌جای امنیت خارجی بود.<sup>۲۲</sup> به‌طور مشابه، اطلاعات مختصری که در مورد بودجه سال مالی ۲۰۰۴ پدیدار شده، نشان‌دهنده ادامه سیاست افزایش هزینه‌های امنیت داخلی می‌باشد.<sup>۲۳</sup> چگونه این مسئله بر سطح هزینه نظامی تأثیر خواهد گذاشت، هنوز معلوم نیست. با وجود این، ماهیت بسیار کلی آمارهای هزینه دفاعی و امنیتی عربستان سعودی، که حتی برخی اوقات با هزینه وزارت دادگستری ترکیب می‌شود، ممکن است که مانعی بزرگ برای درک این الگوی در حال تغییر هزینه در بخش امنیتی عربستان سعودی باشد.

سایر کشورها که مرزهای مشترکی با عراق نداشتند نیز هزینه‌های نظامی خود را تعدیل کردند. بحرین هزینه نظامی‌اش را ۳۸ درصد به ارزش واقعی افزایش داد، در شرایطی که در سال ۲۰۰۲ یک درصد کاهش داده بود. در عمان، هزینه نظامی بیش از ۷ درصد به ارزش واقعی افزایش یافت که در مقایسه هزینه سال ۲۰۰۲، تنها ۳ درصد بالا رفته بود. به هر حال، این افزایش ۷ درصدی بسیار کمتر از افزایش قابل ملاحظه ۱۹ درصدی در سال ۲۰۰۰ می‌باشد، یعنی زمانی که هیچ بحران امنیتی مهمی در منطقه وجود نداشت. در امارات متحده عربی، آمار در دسترس یک افزایش ۳ درصدی در هزینه نظامی در ۲۰۰۳ را در مقایسه با ۵ درصد افزایش سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد. ترس عمومی از قدرت نظامی ایران<sup>۲۴</sup> در منطقه خلیج فارس و انتظار داشتن وقوع بدترین وضعیت ممکن در صورت یک جنگ اوج گرفته در عراق از دلایل عمده برای این افزایش هزینه‌ها

به‌ویژه در مورد بحرین بوده است. این کشور همچنین در حال آغاز یک مرحله خرید عمده هواپیماهای نظامی جدید پس از یک دوره طولانی غیبت از بازار اسلحه است.<sup>۲۵</sup>

برخلاف تصور، اسراییل در سال ۲۰۰۳ هزینه نظامی خود را ۴ درصد به ارزش واقعی کاهش داد، و برای کاهش‌های بیشتر در سالهای آتی برنامه‌ریزی کرده است.<sup>۲۶</sup> این کاهش در مقایسه با یک افزایش همیشگی هزینه‌های نظامی از سال ۲۰۰۰- که انتفاضه فلسطینی‌ها آغاز شد- به بعد صورت گرفت. در حالی که رکود اقتصادی در اسراییل به دلیل ادامه درگیری با فلسطینی‌ها علت عمده تصمیم برای کاهش هزینه‌های نظامی همراه با کاهش‌هایی در هزینه‌های دیگر بخش دولتی می‌باشد، پیروزی آمریکا در عراق یک دشمن عرب احتمالی را برای اسراییل در جبهه شرقی حذف کرد. بنابراین، تهدیدهای امنیتی دولت اسراییل را در یک منطقه دشمن کم کرد.<sup>۲۷</sup> پیروزی سریع در عراق، همچنین نشان داد که در مورد تهدیدی که برخی از دولت‌های عرب برای اسراییل به‌وجود آورده‌اند، احتمال دارد که مبالغه شده باشد. این مسئله به وزارت دارایی اسراییل اطمینان داد که نسبت به کاهش هزینه‌های نظامی حتی در زمان جنگ در منطقه اقدام نماید. اسراییل در سال ۱۹۹۱ پس از جنگ خلیج‌فارس نیز به‌طرز قابل توجهی هزینه‌های نظامی خود را کاهش داد، با وجود این واقعیت که کشورهای عرب هم‌مرز به‌طور آشکاری هزینه‌های نظامی خود را بالا برده بودند. از آن‌زمان تا به حال، میزان نگرانی از قدرت همسایگان کاهش یافته و کساد اقتصادی بیشتر شده است. به غیر از سوریه، تمام کشورهای هم‌مرز با اسراییل هم‌اکنون درگیری آشکاری با این کشور نداشته و یا دارای چنان قدرت نظامی ناچیزی هستند که تهدیدی جدی برای اسراییل به‌وجود نمی‌آورند. در جنوب، مصر یکی از معدود ملت‌های عرب است که دولت اسراییل را به رسمیت شناخته است و حتی در سال ۲۰۰۳ وزیر امور خارجه مصر از اسراییل دیدار کرد. اردن که جمعیت آن بیشتر فلسطینی هستند نیز قرارداد صلحی با اسراییل در ۱۹۹۴ منعقد کرد. در حالی که لبنان و حکومت خودگردان فلسطینی دارای توانایی نظامی قابل مقایسه با توانایی‌های اسراییل

نیستند، ایران تنها تهدید نظامی بالقوه برای اسرائیل باقی می‌ماند.<sup>۲۸</sup> فشارهای بین‌المللی بر ایران در پایان سال ۲۰۰۳ برای شفافیت برنامه هسته‌ای خود و دسترسی آزاد بازرسان بین‌المللی، ممکن است تا حد زیادی تواناییهای این کشور را برای تولید سلاحهای اتمی که بتواند اسرائیل را تهدید کند، کاهش دهد.<sup>۲۹</sup>

### صادرات اسلحه به خاورمیانه

در سالهای ۲۰۰۳-۱۹۹۹، از تسلیحات بزرگ متعارف خریداری شده در جهان به ارزش ۸۸۲۴۰ میلیون دلار، ۱۴۷۷۱ میلیون دلار (۱۶/۷۴ درصد) به دولتهای خاورمیانه فروخته شد (جدول ۲). میزان و درصد سهم فروش تسلیحات از مهم‌ترین کشورهای عرضه‌کننده این جنگ‌افزارها به منطقه به ترتیب عبارتند از: آمریکا (۵۸۰۲ میلیون دلار، ۴۰ درصد)، روسیه (۲۹۵۱ میلیون دلار، ۲۰ درصد)، فرانسه (۲۵۲۱۰ میلیون دلار، ۱۷ درصد)، آلمان (۱۲۱۶ میلیون دلار، ۸ درصد)، انگلستان (۶۹۹ میلیون دلار، ۵ درصد)، اوکراین (۲۷۷ میلیون دلار، ۲ درصد)، ایتالیا (۷۷ میلیون دلار، ۰/۵ درصد)، چین (۲۰۰ میلیون دلار، ۱/۴ درصد)، هلند (۴۱ میلیون دلار، ۰/۳ درصد)، کانادا (۱۸۶ میلیون دلار، ۱/۳ درصد) و سایرین (۶۹۳ میلیون دلار، ۴/۵ درصد). بر مبنای ارزش دلاری جنگ‌افزارهای دریافت‌شده و درصد از کل ارزشها در همین دوره بزرگ‌ترین کشورهای واردکننده تسلیحات در خاورمیانه عبارت بودند از: مصر (۳۲۳۵ میلیون دلار، ۲۲ درصد)، عربستان (۲۴۲۰ میلیون دلار، ۱۶/۳ درصد)، اسرائیل (۲۱۹۵ میلیون دلار، ۱۵ درصد)، امارات متحده عربی (۲۱۲۰ میلیون دلار، ۱۴/۴ درصد)، ایران (۱۶۴۰ میلیون دلار، ۱۱ درصد)، یمن (۸۲۱ میلیون دلار، ۵/۶ درصد) و اردن (۷۲۵ میلیون دلار، ۵ درصد). همچنین تسلیحاتی معادل ۱۵۸۸ میلیون دلار (۱۰/۷ درصد) به سایر کشورهای منطقه منتقل شد.

جدول ۲- انتقال تسلیحات بزرگ متعارف از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان به بزرگ‌ترین واردکنندگان اسلحه در خاورمیانه، به میلیون دلار به قیمت‌های ثابت سال ۱۹۹۰، در دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۹

جمع	سایرین	کانادا	هند	چین	ایتالیا	اوکراین	انگلستان	آلمان	فرانسه	روسیه	آمریکا	صادرکنندگان واردکنندگان
۲۲۲۵	۱۳۳	-	-	۱۴۱	-	-	-	۱۳۵	۲	۴۷	۲۷۷۹	مصر
۱۶۴۰	۳۹	-	۵۹	-	-	۱۵۰	-	-	-	۱۳۹۳	-	ایران
۳۱۹۵	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۸۱	-	-	۱۱۱۶	اسرائیل
۷۵۳	۱۱۱	-	-	-	-	۴۶	۴۴۲	-	۱۱	-	۱۴۲	اردن
۲۴۲۰	-	۱۸۶	-	-	۶۸	-	۲۲	-	۸۳۳	-	۱۳۱۱	عربستان سعودی
۲۱۲۰	۵۹	-	۴۱	-	-	۸۱	۲۵	-	۱۳۴۴	۵۲۴	۴۶	امارات متحده عربی
۸۲۱	۳۰۲	-	-	-	-	-	-	-	۱	۵۱۷	-	یمن
۱۵۸۸	۴۹	-	-	-	۹	-	۲۱۰	-	۳۳۰	۴۷۰	۴۰۸	سایرین
۱۴۷۷۱	۶۹۳	۱۸۶	۴۱	۲۰۰	۷۷	۳۷۷	۶۹۹	۱۲۱۶	۲۵۲۱	۲۹۵۱	۵۸۰۲	کل خاورمیانه
۸۸۲۰	۸۸۴۶	۱۱۸۴	۱۲۲۶	۱۵۲۸	۱۶۴۸	۲۱۹۵	۴۲۰۴	۵۲۴۰	۶۲۷۲	۲۶۱۹۸	۲۹۵۵۹	کل جهان

منبع: بر مبنای آمار مندرج در سالنامه سپهری ۲۰۰۳.

در سالهای ۲۰۰۳-۱۹۹۹، آمریکا با انتقال ۳۴ درصد از کل تسلیحات عرضه شده، عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده اسلحه در جهان را برای خود حفظ کرد. در این ۵ سال کشورهای تایوان، مصر، انگلستان، یونان، ترکیه و ژاپن به ترتیب مهم‌ترین دریافت‌کنندگان نیمی از تسلیحات صادراتی آمریکا بودند. در ۲۰۰۳، صدور حدود ۲۳ درصد از کل تسلیحات انتقالی در جهان توسط آمریکایی‌ها انجام شد. از کل تسلیحات بزرگ متعارف صادر شده از آمریکا به سایر کشورها به ارزش ۲۹۵۹۹ میلیون دلار، حدود ۲۰ درصد به ارزش ۵۸۰۲ میلیون دلار به ترتیب زیر به کشورهای خاورمیانه فرستاده شد: مصر (۲۷۷۹ میلیون دلار، ۴۸ درصد)، عربستان سعودی (۱۳۱۱ میلیون دلار، ۲۲/۵ درصد)، اسرائیل (۱۱۱۶ میلیون دلار، ۱۹/۲ درصد)، اردن (۱۴۲ میلیون دلار، ۲/۵ درصد)، امارات متحده عربی (۴۶ میلیون دلار، ۰/۸ درصد) و سایر کشورها (۴۰۸ میلیون دلار، ۷ درصد) آمریکا به ایران و یمن هیچ تسلیحاتی منتقل نکرد.

از کل جنگ‌افزارهای بزرگ متعارف انتقال داده شده توسط روسیه به سایر کشورها به ارزش ۲۶۱۹۸ میلیون دلار، حدود ۱۱/۳ درصد معادل ۲۹۵۱ میلیون دلار به ترتیب زیر به کشورهای خاورمیانه صادر شد: ایران (۱۳۹۳ میلیون دلار، ۴۷ درصد)، امارات متحده عربی (۵۲۴ میلیون دلار، ۱۸ درصد)، یمن (۵۱۷ میلیون دلار، ۱۷/۵ درصد)، مصر (۴۷ میلیون دلار، ۱۵ درصد) و سایر کشورها (۴۷۰ میلیون دلار، ۱۶ درصد). بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان اسلحه از آمریکا (اسرائیل، اردن و عربستان سعودی) از روسیه تسلیحاتی خریداری نکردند. میزان وابستگی خارجی تسلیحاتی کشورهای خاورمیانه (تخمین زده شده با محاسبه نسبت ارزش دلاری تسلیحات دریافتی از مهم‌ترین کشور صادرکننده به ارزش دلاری تسلیحات دریافتی از کل منابع تأمین‌کننده اسلحه برای هر کشور واردکننده) در این دوره عبارت بود از: مصر (۸۶ درصد وابستگی به آمریکا)، ایران (۸۵ درصد وابستگی به روسیه)، امارات متحده عربی (۶۳/۴ درصد وابستگی به فرانسه)، اردن (۵۹ درصد وابستگی به انگلستان) و اسرائیل (۵۱ درصد وابستگی به آمریکا و ۴۹

درصد وابستگی به آلمان).

رتبه منطقه‌ای کشورهای خاورمیانه بر مبنای هزینه‌های نظامی در ۲۰۰۳، به ترتیب به شرح زیر بود: ۱. عربستان سعودی، ۲. اسرائیل، ۳. ایران، ۴. کویت، ۵. مصر، ۶. اردن، ۷. امارات متحده عربی، ۸. عراق، ۹. یمن، ۱۰. سوریه، ۱۱. قطر، ۱۲. بحرین، ۱۳. لبنان، و ۱۴. عمان. مقایسه درآمد ملی کشورها با یکدیگر و با سایر کشورهای جهان نشانگر تفاوت‌های بسیار آشکاری است. درآمد ملی کشورهای خاورمیانه (اندازه‌گیری شده با تولید ناخالص داخلی به میلیون دلار) و رتبه منطقه‌ای آنان عبارت بود از: ۱. ایران (۴۷۸۲۰۰ میلیون دلار)، ۲. مصر (۲۹۵۲۰۰ میلیون دلار)، ۳. عربستان سعودی (۲۸۷۰۰ میلیون دلار)، ۴. اسرائیل (۱۲۰۹۰۰ میلیون دلار)، ۵. سوریه (۵۸۰۱۰ میلیون دلار)، ۶. امارات متحده عربی (۵۷۷۰۰ میلیون دلار)، ۷. کویت (۴۱۴۶۰ میلیون دلار)، ۸. عراق (۳۷۹۲۰ میلیون دلار)، ۹. عمان (۳۶۷۰۰ میلیون دلار)، ۱۰. اردن (۲۳۶۴۰ میلیون دلار)، ۱۱. لبنان (۱۷۸۲۰ میلیون دلار)، ۱۲. قطر (۱۷۵۴۰ میلیون دلار)، ۱۳. یمن (۱۵۰۹۰ میلیون دلار)، و ۱۴. بحرین (۱۱۲۹۰ میلیون دلار). تحمیل نظامی که درصد هزینه‌های نظامی از درآمد ملی است، برای کشورهای خاورمیانه به شرح زیر بود: ۱. اردن (۲۰/۲ درصد)، ۲. عمان (۱۱/۴ درصد)، ۳. عربستان سعودی (۱۰ درصد)، ۴. قطر (۱۰ درصد)، ۵. اسرائیل (۸/۷ درصد)، ۶. بحرین (۷/۵ درصد)، ۷. سوریه (۵/۹ درصد)، ۸. کویت (۵/۸ درصد)، ۹. لبنان (۴/۸ درصد)، ۱۰. مصر (۳/۶ درصد)، ۱۱. ایران (۳/۳ درصد)، و ۱۲. امارات متحده عربی (۳/۱ درصد). از این ارقام و آمار سه نکته آشکار می‌شود: اول آنکه ۵ کشور بزرگ عضو دائمی شورای امنیت دارای حق وتو بخش مهمی از بازار اسلحه در این منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. دوم اینکه، بسیاری از کشورهای خاورمیانه به‌رغم حمایت‌های پنهان و آشکار قدرتمند بزرگ فرامنطقه‌ای سنگین‌ترین تحمیل نظامی را به خود اختصاص داده‌اند. نزدیک‌ترین هم‌پیمانان و دوستان منطقه‌ای آمریکا در زمره ۱۰ کشور اول جهان قرار دارند: اردن (با رتبه دوم در جهان)، عمان (با رتبه چهارم در جهان)،

قطر (با رتبه پنجم در جهان)، عربستان سعودی (با رتبه ششم در جهان) و اسرائیل (با رتبه هفتم در جهان). سومین واقعیت این است که هر یک از این صادرکنندگان از فروش یا انتقال تسلیحات به عنوان ابزاری برای تقویت پیمانهای راهبردی با دوستان منطقه‌ای خود بهره برده‌اند.

جدول شماره ۳- هزینه‌های نظامی، تحمیل نظامی، درآمد ملی و درآمد سرانه کشورهای خاورمیانه، در

مقایسه با آمریکا و جهان (۲۰۰۳)

رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای	تحمیل نظامی به درصد	رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای	درآمد ملی به میلیون دلار #	رتبه جهانی	رتبه منطقه‌ای	هزینه نظامی به میلیون دلار	کشور
۲	۱	۲۰۲	۱۰۲	۱۰	۲۳,۶۴۰	۴۰	۶	۲۰۴۲	اردن
۷	۵	۸,۷	۵۲	۴	۱۲۰,۹۰۰	۱۶	۲	۹۱۱۰	اسرائیل
۳۹	۱۲	۳,۱	۶۷	۶	۵۷,۷۰۰	۴۴	۷	۱۶۰۰	نمات
۳۶	۱۱	۲,۳	۱۹	۱	۴۷۸,۲۰۰	۲۵	۳	۴۳۰۰	یونان
۱۰	۶	۷,۵	۱۲۹	۱۴	۱۱,۳۹۰	۶۳	۱۲	۶۱۸	بحرین
۱۵	۷	۵,۹	۶۶	۵	۵۸,۰۱۰	۵۶	۱۰	۸۵۸	سوریه
۶	۳	۱۰	۳۰	۳	۲۸۷,۸۰۰	۸	۱	۱۸۰۰۰	عربستان سعودی
-	-	-	۸۱	۸	۳۷,۶۲۰	۴۶	۸	۱۳۰۰	عراق*
۴	۲	۱۱,۴	۸۳	۹	۳۶,۷۰۰	۸۲	۱۹	۳۲۲	عمان
۵	۴	۱۰	۱۱۲	۱۲	۱۷,۵۴۰	۵۸	۱۱	۷۳۲	قطر
۱۶	۸	۵,۸	۷۷	۷	۴۱,۴۶۰	۳۶	۴	۲۵۰۰	کویت
-	۹	۴,۸	۱۱۰	۱۱	۱۷,۸۳۰	۶۷	۱۲	۵۴۱	لبنان**
۳۲	۱۰	۳,۶	۲۹	۲	۲۶۵,۲۰۰	۳۷	۵	۲۴۴۳	مصر
-	-	-	۱۱۶	۱۳	۱۵,۰۹۰	۵۵	۹	۸۸۵	یمن
۳۷	-	۳,۳	۲	-	۱۰,۹۹۰,۰۰۰	۱	-	۳۷۰,۷۰۰	آمریکا
۷۶	-	۲,۰	۱	-	۵۱,۴۸۰,۰۰۰	-	-	-	جهان

# درآمد ملی بر مبنای تولید ناخالص داخلی و برابری قدرت خرید در برآوردهای سال مالی ۲۰۰۴ محاسبه شده است.

\* آمار این کشور مربوط به سال ۲۰۰۰ است.

\*\* آمار هزینه نظامی این کشور مربوط به سال ۲۰۰۲ و تحمیل نظامی برای سال ۱۹۹۹ است.

منابع: محاسبه بر مبنای جدولهای آماری سالنامه ۲۰۰۳ سبیری؛ و

CIA, *The World Factbook*, 2003. Last updated December 16, 2003. at:

<http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/iz.html>.



## نتیجه‌گیری

هزینه نظامی منطقه‌ای کشورهای خاورمیانه در ۲۰۰۳ روند روبه رشد بلندمدت خود را ادامه داد. به نظر می‌آید که جنگ در عراق از نظر افزایش چشمگیر هزینه‌های نظامی تنها در کشورهایی که دارای مرزهای مشترک با عراق هستند، و یا در آنهایی که در جنگ شرکت کردند، مانند کشورهای کوچک خلیج فارس، اثر داشته است. در دو کشور مهم منطقه (عربستان سعودی و اسرائیل)، به نظر می‌آید که مشکلات داخلی اثر مستقیم‌تری بر روندهای هزینه‌ای در مقایسه با جنگ در عراق داشته است. این مسئله بدین معنی نیست که بی‌تفاوتی نسبت به جنگ وجود داشته، برعکس، به این مفهوم است که جنگ مهم‌ترین عامل برای تصمیم‌های بودجه‌ای در این کشور نبوده است. تنها برای آن کشورهایی که به‌طور مستقیم توسط عراق احساس تهدید می‌کردند (مانند کویت)، و یا از حضور آمریکا در منطقه نگران بودند (مانند ایران) چنین بود. اولویت‌های هزینه‌ای کشورهای دیگر تنها منعکس‌کننده ابهامی بود که نشان‌دهنده ویژگی کلی دیدگاه‌های رهبران عرب نسبت به جنگ رهبری شده آمریکا در عراق بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## پاورقیها:

۱. بنابر تعریف سیپری، کشورهای خاورمیانه شامل بحرین، مصر، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، امارات متحده عربی و یمن می‌شود.
۲. آمار هزینه‌های نظامی در خاورمیانه به راحتی در دسترس قرار ندارد، و داده‌های موجود به دلیل مخفی کاری دولتی و نبود شفافیت در فرایند بودجه‌بندی دچار مشکلات اعتبار و درستی است. این مطلب به کشورهایی محدود می‌شود که اطلاعات در مورد آنها برای سال ۲۰۰۳ فراهم بود. در حالی که کشورهایی همچون مصر و سوریه در بحث هزینه‌های نظامی مهم هستند، نبود آمار (در مورد مصر) و یا نبود داده‌های به‌قدر کفایت معتبر (در مورد سوریه) مانع از در نظر گرفتن آنها در تحلیلهای مقایسه‌ای شد. در ضمن، توجه نمایید که روندهای مورد بررسی قرار گرفته در اینجا به هزینه‌های کشورهای خاورمیانه‌ای مربوط می‌شود. برای ترسیم تصویر کاملی از هزینه‌های نظامی در این منطقه باید هزینه‌های منطقهای کشورهای واقع شده در خارج منطقه (کمکهای نظامی و هزینه‌های نظامی خارجی) را نیز اضافه کنیم.
۳. برای کشورهایی که دارای بالاترین و کم‌ترین تحمیل یا بار نظامی در جهان هستند، به فصل دهم سالنامه ۲۰۰۴ سیپری مراجعه شود. ۷ کشور از بین ۱۴ کشور خاورمیانه (جدول ۳) در گروه کشورهای دارای بالاترین تحمیل نظامی قرار می‌گیرند.
۴. نگاه کنید به:

N. Mac Farquhar. "Arabs Are of Two Minds in Iraq," *International Herald Tribune*, October 29, 2003, pp. 1, 5; and R. Kahwaji. "Saddem's Capture Rattles many Arab Leaders," *Defense News*, December 22, 2003, pp. 1, 33.

برای بررسی این موضوع که چگونه سیاست آمریکا به این ابهام کمک می‌کند، نگاه کنید به:

G. Hamontree. "The Middle East: Operational Victories and Strategic Setbacks," *Armed Forces Journal*, January 2004, pp. 46-49.

برای توصیف ترس همسایگان عراق از پیامدهای بی‌ثباتی و تفرقه در این کشور برای منطقه، نگاه کنید به:

"Saudi Envoy Alarmed over Iraq Partition Possibility," *Gulf News* (Internet edition), January 13, 2004. URL <http://www.gulfnews.com/Articles/News.asp?ArticleID=107900>;

B. E., Bekdil. "Syria, Turkey Find Common Ground on Iraqi Kurds," *Defense News* (Internet edition), January 7, 2004. URL <http://www.defensenews.com/story.php?F=2534069&C=mid-east>; and

Atlantic Council of the United States. "US Challenges and Choices in the Gulf: Turkey, Iraq and Regional Security," *Policy Brief*, No. 12, July 21, 2003.

برای جنگ در عراق بنگرید به فصل دوم سالنامه ۲۰۰۴ سیپری.

5. I. Anthony. "The Trade in Major Conventional Weapons," *SIPRI Yearbook 1989: World Armaments and Disarmament*, Oxford: Oxford University Press, 1989, pp. 194-225, in Particular table 6. 1, p. 196, and appendix 613, pp. 253-54.

و نیز نگاه کنید به:

I. Anthony and H. Wulf. "The Trade in Major Conventional Weapons," *SIPRI Yearbook 1990: World Armaments and Disarmament*, Oxford: Oxford University Press, 1990, pp. 119-146, in

particular from p. 230.

6. N. Kawach. "Saudi Budget Reels under Heavy Defence Spending." *Gulf News*, (Internet edition), December 13, 2003. URL <<http://www.gulfnews.com/Articles/News.asp?ArticleID=105368>>.

7. M. Matri. "The Balance of Forces," edited by S. Brom and Y. Shapir. *The Middle East Military Balance 1999-2000*, Cambridge, Mass: MIT Press, 2000, p. 23.

۸. به‌طور مثال، نگاه کنید به:

L. Anthony and et al.. "The Trade in Major Conventional Weapons." *SIPRI Yearbook 1992: World Armaments and Disarmament*. Oxford: Oxford University Press, 1992. pp. 271-301. in Particular table RA. p. 284.

9. M. Bossuyt. "The Adveres Consequences of Economic Sanctions on the Enjoyment of Human Rights." *Working Paper*. UN Economic and Social Council Sub Commission on the Promotion and Promotion of Human Rights. June 21, 2000.

همچنین نگاه کنید به:

E. Herring. "Power, Propaganda and Indifference: an Explanation of the Continued Imposition of Economic Sanctions on Iraq Despite their Human Cost." in T. Ismail (ed.), *Sanctioning Iraq: The Iraq Question in World Politics*. London: Zed Books, 2002. available at URL <<http://www.april52.dsl.pipex.com/eric/Indifference.htm>>.

10. E. Skons and et al. "Military Expenditure." *SIPRI Yearbook 2003: Armaments, Disarmament and International Security*. Oxford: Oxford University Press, 2003. pp. 322-24.

۱۱. شش کشور عربی عمان، کویت، عربستان سعودی، اردن، یمن و سوریه، به‌ترتیب در زمره کشورهای دارای بالاترین تحمیل نظامی در جهان قرار دارند. تحمیل نظامی با سهم هزینه نظامی از درآمد ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود. برای توضیح بیشتر به فصل دهم، جدول ۳-۱۰، سالنامه ۲۰۰۴ سیبری بنگرید.

12. R. Kahwaji. "Parliament Mod Row Delays C4I Deal in Kuwait." *Defense News*, December 1, 2003. p. 34.

13. "Armed Forces Deputy Commander Asks for Higher Budget in face of Threats." *Tehran Iranian Students News Agency* (Tehran), January 7, 2003. in Foreign Broadcast Information Service. *Daily Report-Near East and South Asia* (FBIS-NES), FBIS-NES-2003-01 08, January 9, 2003.

14. "Remarks by A' lami on the Country's Defence Budget for the Year 1382." *Telran Mardom Salari* (Tehran), January 14, 2003. in Foreign Broadcast Information Service. *Daily Report-Near East and South Asia* (FBIS-NES), FBIS-NES-2003-0207, February 26, 2003.

15. "Defense Minister Comments on Regional Security. US Policy." *Iranian Students News Agency* (Tehran), February 7, 2003. in FBIS-NES-2003-0207, February 10, 2003.

۱۶. همان؛ و نیز نگاه کنید به:

"Iranian Defence Minister on Iran's Defense Doctrine." *Middle East Media Research Institute*

(MEMRI) Report, No. 502, May 9, 2003, available at URL <<http://www.memri.org/bin/opener-latest.cgi?ID=SD50203>>.

17. "Iraq and Jordan: a Delicate State of Affairs." *The Economist*. October 2, 2003.

همچنین نگاه کنید به:

Economist Intelligence Unit (EIU), *Country Report: Jordan*. London: EIU, December 2003. p. 19.

18. Ibid.

19. International Institute for Strategic Studies (IISS), *Strategic Survey 2002/3: An Evaluation and Forecast of World Affairs*. Oxford: Oxford University Press, 2003. p. 167.

20. Ibid., p. 168.

21. G. Joffé, "Saudi Arabia after 9/11," *Transatlantic Internationale Politik*, No. 2, 2002, pp. 51-57.

و نیز نگاه کنید به:

J. A. Kechichian, "The Direction of a New Generation in Saudi Arabia," *Gulf News* (Internet edition), January 8, 2004. URL <<http://www.gulfnews.com/Articles/news.asp?ArticleID=107409>>.

22. Economist Intelligence Unit (EIU), *Country Report: Saudi Arabia*, London: EIU, November 2003, p. 19.

23. N. Kawach, "Saudi Economy to Shrink in 2004," *Gulf News* (Internet edition), December 25, 2003, available at URL <<http://www.gulfnews.com/Articles/News.asp?ArticleID=106332>>.

24. E. Kam and Y. Shapir, *The Middle East Strategic Balance, 2002-2003*. Tel Aviv: Jaffee Center for Strategic Studies, 2003.

به ویژه به فصلهای دوم و سوم به ترتیب «تحوالات در ایران و عراق» و «توازنهای نظامی در منطقه» مراجعه کنید.

۲۵. نگاه کنید به: ضمیمه ۱۲ ب در سالنامه ۲۰۰۴ سپهری.

26. B. Opall-Rome, "Israel Explores Funding Schemes," *Defense News*, May 26, 2003, p. 6; and A. Ben-David, "IDF to Streamline Service Benefits," *Jane's Defence Weekly*, September 10, 2003, P. 32.

27. J. Marcus, "Cuts Planned for Israeli Army," *BBC News Online*, June 9, 2003, URL <<http://www.news.bbc.co.uk/2/hi/middle-east/2975126.stm>>.

و نگاه کنید به مصاحبه با وزیر دفاع اسرائیل شائول موفاز:

"Interview with Israeli Defence Minister Shaul Mofaz," *Defense News*, May 26, 2003, p. 30.

28. E. Kam and Y. Shapir. op. cit.

۲۹. در مورد ایران، نگاه کنید به: فصل ۱۵ در سالنامه ۲۰۰۴ سپهری.